

# امتحانات متمرکز عمومی (سطح ۲)

زمان: ۱۰ صبح ۱۵ دقیقه ۹۰ دقیقه

شماره نام و نام خانوادگی	نوع مدرسه	نوع مدرسه
شماره نام و نام خانوادگی	نوع مدرسه	نوع مدرسه

نیم سال اول ۹۸-۹۷

پایه پنجم ۵ ساله  
پایه هفتم ۷ ساله

مهر مدرسه

کد ملی:	۲۹۷۱/۲۰
تاریخ:	۱۳۹۷/۱۱/۰۱
زمان:	اصول فقه ۴
کتاب:	دروس فی علم الاصول «الحلقه الاولی و الثانیة فی الدرر النائی»
موضوع:	از ابتدای اصول عملیه تا پایان کتاب (ص ۲۸۸-۲۲۱)

نام و نام خانوادگی: ..... نام پدر: ..... نام مدرسه: ..... شهر: ..... استان: .....

۱- مرجع اثبات قاعده ثانویه در تکالیف مشکوک کدام است؟ ص ۲۲۴

۰/۵

- ☐ الف. عقل  
☐ ب. براءت  
☐ ج. عقلاء  
☒ د. شرع

۲- از کدام بخش حدیث «کل شیء فیہ حلال و حرام فهو لک حلال ابدأ حتی تعرف الحرام منه بعینه فتدعه» برای اختصاص حدیث به شبهات موضوعیه استدلال نموده‌اند؟ ص ۲۳۰

۰/۵

- ☐ الف. حتی تعرف الحرام  
☒ ب. فیہ حلال و حرام  
☐ ج. کل شیء  
☐ د. فتدعه

۳- مراد از نهی در «لا تنقض الیقین بالشک» چیست؟ ص ۲۶۵

۰/۵

- ☐ الف. نهی تکلیفی  
☐ ب. نهی تکوینی  
☒ ج. نهی ارشادی  
☐ د. نهی تنزیهی

۴- دلیل تقدیم براءت شرعیه بر اصاله الاشتغال عقلی (مبنای مسلک حق الطاعة) چیست؟ ص ۲۸۷

۰/۵

- ☒ الف. ورود  
☐ ب. حکومت  
☐ ج. تخصص  
☐ د. تخصیص

۵- عبارت «لا یكلف الله نفسا الا ما آتاها» (اطلاق: ۷) ان المال هو المتیقن من مراد الموصول بمقتضی السیاق الا انه مورد و هو لا یخصص الوارد» را تبیین نموده، در صدد اثبات چیست؟ ص ۲۲۴ - ۲ نمره

۲

جواب: در موصول «ما» چهار احتمال مطرح است: ۱. مال ۲. فعل ۳. تکلیف ۴. جامع که با توجه به اینکه بحث انفاق مالی در ابتدای آیه مطرح است قدر متیقن از «ما» موصول، مال می‌باشد لکن با توجه به قاعده «المورد لا یخصص الوارد» آیه تخصیص نخورده و بر اطلاق خود باقی است (۱ نمره) و می‌توان با تمسک به آن جامع را اثبات نمود و با اثبات جامع، تکلیف نیز که تحت آن است اثبات شده و می‌توان از آیه برای اثبات براءت شرعیه استفاده نمود. (۱ نمره)

۶- اشکال مطرح در عبارت «ان الحجب مسند الی الله سبحانه فیختص بالاحکام التی لم یبینها سبحانه و اخفاها علی العباد و لا یشمل محل الکلام» را بر استدلال به حدیث حجب برای اثبات براءت، تبیین کرده، پاسخ دهید. ص ۲۲۹ - ۲ نمره

۲

جواب: برخی بر استدلال به حدیث حجب «ما حجب الله علمه عن العباد فهو موضوع عنهم» بر براءت اشکال کرده‌اند که حجب در روایت مستند به خداوند شده است (حجب الله) در نتیجه روایت مخصوص احکامی است که خود خداوند آن‌ها را بیان نکرده ولی محل کلام ما اعم است (یعنی مواردی را که صادر شده ولی واصل نشده را نیز شامل می‌شود) (۱ نمره) پاسخ: در صورتی که اسناد حجب به خدای متعال از حیث شارع بودن خدا باشد چنین اشکالی وارد است ولی چنین معنایی دلیل ندارد بلکه اسناد حجب به خداوند از این جهت است که همه امور در دست خداوند است در نتیجه تمام حجب‌ها را شامل می‌شود. (۱ نمره)

۲

۷- رکن اول و دوم از ارکان «علم اجمالی» را به همراه دلیل نوشته، برای اختلال هر یک مثال بزنید. ص ۲۴۵ - ۲ نمره

جواب: رکن اول: علم به جامع تکلیف زیرا اگر علم به جامع نباشد شبهه بدوی است. رکن دوم: وقوف علم بر جامع وعدم سرایت به فرد زیرا در این صورت علم اجمالی نیست بلکه علم تفصیلی است و همان فرد منجز است. مثال اختلال رکن اول: علم داریم یکی از دو لیوان نجس است سپس متوجه می‌شویم اشتباه کرده‌ایم در این صورت رکن اول علم اجمالی مختل می‌شود. مثال اختلال رکن دوم: علم داریم یکی از دو لیوان نجس است سپس متوجه می‌شویم لیوان نجس لیوان سمت راستی است در این صورت رکن دوم علم اجمالی مختل می‌شود.

۲

۸- قاعده «ایقین» را به همراه مثال، تبیین کرده و فرق آن با استصحاب را بنویسید. ص ۲۵۳ و ۲۵۴ - ۲ نمره

جواب: اگر یقین به چیزی داشته باشیم و سپس در اصل وجود همان شیء شک کنیم به این معنا که تردید کنیم آیا واقعاً آنچه می‌پنداشتیم هست، وجود داشت (یقین، صادق بود) یا نه (یقین، کاذب بود)، چنین حالتی مجرای قاعده یقین است. مثل اینکه روز جمعه یقین به عدالت شخصی داشتیم و روز شنبه در عدالت همان شخص در روز جمعه شک کنیم. فرق: شک در «قاعده یقین» به خود آنچه یقین به آن تعلق گرفته است، تعلق می‌گیرد به لحاظ همان زمان ولی در استصحاب، شک در بقاء متیقن است بدون آنکه یقین سابق به لحاظ زمان سابق از بین برود.

[به عبارت دیگر شک در قاعده یقین ناقض تکوینی یقین است ولی در استصحاب حقیقه ناقض نیست و به عبارت دقیق‌تر جریان استصحاب مبتنی است بر فراغ از تحقق آنچه می‌خواهیم اثبات کنیم ولی قاعده یقین چنین نیست.]

۲

۹- برای «استصحاب حکم معلق» مثال زده، دلیل مرحوم نائینی<sup>(ه)</sup> بر عدم جریان آن را بنویسید. ص ۲۶۸ - ۲ نمره

جواب: ما قضیه شرطیه داریم که می‌گوید اگر این انگور بجوشد حرام می‌شود ولی ما شک داریم حال که انگور تبدیل به کشمش شده است این قضیه شرطیه هنوز باقی است یعنی باز هم با غلیان نجس می‌شود یا نه استصحاب می‌کنیم آن قضیه شرطیه را. دلیل مرحوم نائینی<sup>(ه)</sup>: در حکم شرعی فقط جعل و مجعول داریم و جعل که شکی در بقااش نیست (رکن ثانی مختل است) و در مجعول نیز یقین به حدوث نداریم (رکن اول مختل است) و اما قضیه شرطیه در عالم تشریع چیزی جز امر منتزع از جعل حرمت بر موضوع مقدرة الوجود نیست پس اثر شرعی ندارد تا استصحاب قضیه جاری شود.

۱

۱۰- حکم تعارض (تنافی) بین دلیل عقلی و دلیل شرعی چیست؟ توضیح دهید. ص ۲۷۸ - ۱ نمره

جواب: در صورتی که دلیل عقلی قطعی نباشد، حجت نیست در نتیجه حجت نیست تا تعارض حقیقی واقع شود (۰/۵ نمره) و در صورتی که قطعی باشد بر معارضش مقدم می‌شود زیرا دلیل عقلی قطعی مستلزم قطع به خطای معارض است و هر آنچه که قطع به خطای آن داریم از حجیت ساقط است. (۰/۵ نمره)

۲

۱۱- «حکومت» را در بحث تعارض توضیح داده و مثالی بزنید. ص ۲۸۱ - ۲ نمره

جواب: حکومت یعنی یک دلیل، ناظر بر موضوع یا محمول دلیل دیگر باشد و در صدد تفسیر آن باشد به این صورت که گاهی موضوع یا محمول را تضییق می‌کند گاهی آن‌ها را توسعه می‌دهد. (۱/۵ نمره) مانند الربا حرام (محکوم). لا ربا بین الوالد و الوالد (حاکم). یا حکومت «لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام» بر ادله احکام شرعیه مثل وجوب صوم و... (۰/۵ نمره)